



فیروزجائیان، علی اصغر، و غلامرضا زاده، فاطمه. (۱۳۹۴). تحلیل آسیب شناسانه رفتار زیست محیطی شهروندان با تاکید بر زباله پراکنی در میان گردشگران، فصلنامه جامعه شناسی نهادهای اجتماعی ۲ (۶)، ۱۵۱ - ۱۲۸ .

## تحلیل آسیب شناسانه رفتار زیست محیطی شهروندان با تاکید بر زباله پراکنی در میان گردشگران

علی اصغر فیروزجائیان<sup>۱</sup>، فاطمه غلامرضا زاده<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۲۵

### چکیده

رفتار زیست محیطی در جامعه ما با مشکلات جدی روبروست. زباله پراکنی بعنوان یکی از مسائل اجتماعی جدی در رفتار شهروندی در جامعه ایرانی می باشد. زباله پراکنی مصداقی از بی نظمی اجتماعی شهروندان، در حوزه شهروندی محیط زیست می باشد که در فضاها شهری و عمومی موجب تشدید مسائل مربوط به زباله شده است. بدین منظور هدف تحقیق حاضر آسیب شناسی رفتار زیست محیطی شهروندان با تاکید بر زباله پراکنی می باشد. روش تحقیق از نوع پیمایشی و ابزار سنجش آن پرسشنامه محقق ساخته است. جامعه آماری شامل کلیه گردشگرانی داخلی است که در تابستان ۱۳۹۳ وارد استان مازندران شده اند. حجم نمونه ی آماری بر اساس فرمول کوکران تعداد ۳۸۵ نفر برآورد شده است. اطلاعات با استفاده از پرسشنامه به طور تصادفی در بین گردشگران کنار ساحل، پارک های جنگلی استان مازندران جمع آوری گردید. طبق یافته های بدست آمده از آزمون همبستگی پیرسون، رفتار زباله پراکنی گردشگران با عادت، گمنامی، فقدان امکانات، محیط کثیف، عدم آگاهی، ضعف کنترل هنجاری و بی مسئولیتی فرد رابطه ی مستقیم و معناداری دارد. سپس نتایج مدل آزمون نظری تحقیق بر اساس مدل سازی معادله ساختاری نشان داد که شرایط محیطی تسهیل کننده و شرایط هنجاری

<sup>۱</sup> - استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول) a.firozjayan@umz.ac.ir

<sup>۲</sup> - کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه مازندران f.gholamrezazadeh@stu.umz.ac.ir

تسهیل کننده بطور مستقیم و غیر مستقیم بر رفتار زباله پراکنی گردشگران تاثیر دارد. عوامل ذکر شده در مجموع توانستند ۰/۳۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته (رفتار زباله پراکنی) را مورد تبیین قرار دهند.

### واژه های کلیدی:

آسیب شناسی، رفتار زیست محیطی، زباله پراکنی، گردشگران

### ۱- مقدمه و طرح مساله

بشر از زمان حضورش بر روی کره زمین همواره با محیط زیستش در مواجهه بوده است. هرچند ابتدا این زیست بوم بوده است که بر بشر سیطره داشت اما به تدریج بشر توانست نه تنها بر محیط زیست مسلط شود بلکه رفتار او خطرات جدی را برای محیط زیست رقم زد. "رفتار زیست محیطی، رفتاری است که فرد در برخورد با محیط زیست از خود بروز می دهد. افراد هر اجتماعی بر حسب شرایط و مقتضیات خاص اجتماعی، فرهنگی و شخصیتی خود برخورد متفاوتی نسبت به محیط زیست دارند" (نواح و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۹). به اعتقاد بارو<sup>۱</sup>، استفاده ی بی رویه از انرژی در منازل، استفاده از تولیدات یکبار مصرف، استفاده از وسایل نقلیه ی شخصی، استفاده از انواع آفت کش ها، دفع مواد زائد به روش غیر بهداشتی، جمع آوری و تفکیک نکردن زباله به منظور بازیافت و بسیاری از رفتارهای مخرب زیست محیطی دیگر همگی در نتیجه ی رفتارهای زیست محیطی انسان است (بارو، ۱۳۸۰). این رفتارها ممکن است کاملاً مثبت، محیط گرانه و مسئولانه باشد؛ یا برعکس، کاملاً منفی و مخالف محیط زیست. یکی از رفتار غیر مسئولانه افراد در قبال محیط زیست رفتار زباله پراکنی است.

امروزه با افزایش روز افزون جمعیت، گسترش شهرنشینی و رشد مصرف گرایی، بر میزان زباله های تولید شده افزوده شده و ساماندهی زباله ها به یک مسئله جدی تبدیل شده است. در کنار این مسئله، زباله پراکنی<sup>۲</sup> در فضاهای شهری و عمومی موجب تشدید مسائل مربوط به زباله شده است. زباله پراکنی مصداقی از بی نظمی اجتماعی<sup>۳</sup> شهروندان، در حوزه شهروندی

<sup>1</sup> -Baro

<sup>2</sup> -littering

<sup>3</sup> -Social Disorder

زیست محیطی<sup>۱</sup> می باشد که به عنوان یکی از مهم ترین مسائل زیست محیطی، اجتماعی، زیباشناسی در سراسر جهان مطرح است. به طوری که نظر محققین اجتماعی را به خود معطوف کرده است (کولی، ۲۰۰۵؛ ترگلر و همکاران، ۲۰۰۸؛ شوتز و همکاران، ۲۰۱۳). هرچند چرایی زباله پراکنی در جامعه ما کمتر مورد بررسی علمی قرار گرفته است.

زباله پراکنی به مثابه دفع سهل انگارانه و نامناسب مقداری زباله (گلر<sup>۲</sup> و همکاران، ۱۹۸۲؛ استکلوس<sup>۳</sup> و المان<sup>۴</sup>، ۱۹۸۷؛ کنان<sup>۵</sup>، ۱۹۹۶) تعریف می شود. زباله پراکنی همچنین به معنی رها کردن چیزهای غیر ضروری و غیر طبیعی در محیط می باشد (گرین<sup>۶</sup>، ۲۰۰۱) و قابل رویت ترین مسئله ای است که موجب تخریب محیط زیست می گردد (فانی<sup>۷</sup>، ۱۹۷۳). چهار دسته عوامل به طور کلی در دو سطح فردی- عاملیتی و ساختاری- بیرونی برای تبیین رفتار زباله پراکنی به کار گرفته شده اند. این ۴ دسته عبارتند از: عوامل فردی (ارزش ها، باورها، آگاهی، هنجارهای شخصی)، عوامل عادت (الگوهای رفتاری گذشته، رفتارهای بدون تفکر)، عوامل موقعیتی یا محیطی (امکانات، کنترل اجتماعی، هزینه مادی) و عوامل اجتماعی (هنجارهای اجتماعی، قواعد فرهنگی، ادراک مشترک و...) (تری اندیس، ۱۹۸۰؛ شوتز، ۲۰۱۳).

زباله پراکنی به عنوان یک مسئله زیست محیطی، منبع قابل توجهی از آلودگی است. براساس نتایج تحقیقات گوناگون در کشورهای دیگر نشان داده شده است وجود و تجمع زباله در فضاهای عمومی یک مسئله زیست محیطی و انسانی کاملاً شناخته شده ای است (کادانا<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۱۲: ۱۷۳۴) که علاوه بر مسائل زیبایی شناختی محیط، تهدید بهداشت و سلامتی روحی، روانی و جسمی شهروندان (عرفات<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۰۷؛ ارمیتج<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۰) هزینه های اقتصادی (کیهانیان<sup>۱۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۸)، موجب نقض هنجار اجتماعی می گردد و به عنوان بخشی از آسیب شهری بر میزان جرم و تخلفات اجتماعی مانند سرقت تأثیر گذار

<sup>1</sup> -Environmental Citizenship

<sup>2</sup> -Geller

<sup>3</sup> -Stokols

<sup>4</sup> -Altman

<sup>5</sup> -Keenan

<sup>6</sup> -Green

<sup>7</sup> -Finnie

<sup>8</sup> -Cadena

<sup>9</sup> -Arafat

<sup>10</sup> -Armitage

<sup>11</sup> -Kayhanian

است (الیکسون<sup>۱</sup>؛ کیزر<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۸؛ دفرا<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲). در واقع نگاهی گذرا بر وضعیت وضعیت محیط زیست در دهه های اخیر نشان می دهد که فعالیت های انسانی مؤثرترین و مهم ترین علل تغییرات زیست محیطی است که ضمن ایجاد تغییرات مفید و مناسب موجبات تخریب را فراهم می آورد (پناهنده و عابدین زاده، ۱۳۸۹: ۸۸).

تبیین رفتار زباله پراکنی به دلایل ذکر شده به طور کلی اهمیت دارد، در کشور ما زباله پراکنی در بین قشرهای مختلفی صورت می گیرد. در این بین گردشگران و مسافران داخلی با آسودگی بیشتری به این رفتار دست می زنند. مشاهده مقصدهای گردشگری طبیعی از جمله حاشیه دریا، رودخانه و جنگل ها که مملو از زباله های رها شده می باشد گواه این مدعاست. به طوری که امروزه زباله پراکنی به عنوان مسأله ای اجتماعی در حوزه زیست محیطی مطرح می باشد. از این رو، تحقیق حاضر می کوشد تا با تاکید بر زباله پراکنی به آسیب شناسی رفتار زیست محیطی در میان گردشگران بپردازد.

## ۲- پیشینه تحقیق

زباله پراکنی به عنوان مصداقی از بی نظمی اجتماعی، یکی از مهم ترین مسائل زیست محیطی، اجتماعی، زیباشناسی است که بیش از ۴۰ سال مورد توجه بسیاری از کشورها قرار گرفته است. هرچند در سالهای اخیر مطالعاتی در رابطه با رفتارهای زیست محیطی به تدریج در حال انجام است اما در رابطه با بحث زباله پراکنی مطالعه ای مستقل صورت نگرفته است. مطالعات انجام شده در این حوزه بیشتر به بحث اشکال زباله و بحث باز یافت پرداخته اند. در حقیق تحقیقات انجام شده، به بحث زباله بعد از مرحله تولید بخصوص زباله های صنعتی و خانگی و چگونگی برخورد با توجه کرده اند و به تولید زباله بخصوص در نوع رهاسازی در طبیعت توسط شهروندان توجه نکردند. (فیروزجائیان و همکاران، ۱۳۹۴). اما در خارج از کشور زباله ریزی در حوزه شهروندی به موضوعی مهم در نظر محقق تبدیل شده است و این منجر به پژوهش های رفتاری نظام مند (کلارک<sup>۴</sup> و برجس<sup>۱</sup>، ۱۹۷۱؛ گلر و همکاران، ۱۹۸۰، ۱۹۸۲؛ شووتز

<sup>1</sup> -Ellickson

<sup>2</sup> -Keizer

<sup>3</sup> -Defra

<sup>4</sup> - Clark

شوتز و همکاران، ۲۰۱۳) شده است. بررسی این مسئله در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ آغاز شده است. زمانی که مطالعات و نظرسنجی های اولیه در سال ۱۹۶۸ در زمینه حفظ امریکای زیبا<sup>۲</sup> آغاز شد و نتایج نشان دهنده آن بود که زباله ریزی و پاکسازی فضاهای عمومی از زباله در ایالت متحده (کلارک و برجس، ۱۹۷۱؛ کون<sup>۳</sup> و هایز<sup>۴</sup>، ۱۹۸۰؛ گلر و همکاران، ۱۹۸۲) منجر به هزینه های اقتصادی (ترگلر و همکاران، ۲۰۰۸؛ کادنا و همکاران، ۲۰۱۲) زیادی شده است. این خود منجر به افزایش مطالعات در زمینه رفتار زباله پراکنی و مداخلات مؤثر برای غلبه بر این مسئله (کولی، ۲۰۰۵؛ شوتز و همکاران، ۲۰۱۳) شده است. نتایج تحقیقات گوناگون در کشورهای دیگر نشان داده است وجود و تجمع زباله در فضاهای عمومی یک مسئله زیست محیطی و انسانی کاملاً شناخته شده ای است (کادنا و همکاران، ۲۰۱۲: ۱۷۳۴) که علاوه بر مسائل زیبایی شناختی محیط، تهدید بهداشت و سلامتی روحی، روانی و جسمی شهروندان (عرفات<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۰۷؛ ارمیتج، ۲۰۰۰) هزینه های اقتصادی (کیهانیان و همکاران، ۲۰۰۸) موجب نقض هنجار اجتماعی می گردد و به عنوان بخشی از آسیب شهری بر میزان جرم نیز تأثیر می گذارد.

شوکور<sup>۶</sup> و همکاران (۲۰۱۲)، پژوهشی تحت عنوان «کاهش زباله پراکنی: مروری بر رویکردهای رفتاری پیشین» انجام دادند. از منظر آنان زباله پراکنی به عنوان یکی از عوامل عمده آلودگی و تخریب محیط زیست است. این مشکل ریشه در رفتار انسانی دارد، برای کاهش این رفتار استراتژی های متعددی وجود دارد که مورد توجه بسیاری از محققان قرار گرفته است. در این پژوهش بر اساس ۵۰ مطالعه بررسی شده توسط نویسندگان، این نتیجه حاصل شد که پنج روش عمده می تواند بر روی رفتار زباله پراکنی افراد تأثیر گذار باشد: طراحی زیست محیطی<sup>۷</sup>، برانگیختگی<sup>۸</sup> (تصاویر، تذکرات)، تمیز کردن مکان از زباله ها<sup>۹</sup> یا زیباسازی، آموزش زیست محیطی<sup>۱۰</sup>، مشارکت های زیست محیطی<sup>۱</sup>. بر اساس یافته های پژوهش و رتبه

<sup>1</sup>-Burgess

<sup>2</sup>-Keep America Beautiful (KAB)

<sup>3</sup>-Cone

<sup>4</sup>-Hayes

<sup>5</sup>- Arafat

<sup>6</sup>- Shukor

<sup>7</sup>- Environmental design

<sup>8</sup>- Prompts

<sup>9</sup>- Clean up the prior litter

<sup>10</sup>- Environmental education

بندی براساس نظر محققان سه استراتژی طراحی زیست محیطی، برانگیختگی (تصاویر، تذکرات)، تمیز کردن مکان از زباله‌ها یا زیباسازی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر روی رفتار زباله‌پراکنی دارند که تمرکز بر روی این استراتژی‌ها و مداخله در رفتار فرد می‌تواند در کاهش ریختن و پاشیدن زباله تأثیر داشته باشد.

شوتز و همکاران (۲۰۱۳) پژوهشی تحت عنوان "بررسی عوامل شخصی و زیست محیطی مؤثر بر رفتار زباله‌پراکنی" در ایالات متحده انجام داده‌اند. بر اساس نتایج، زمینه‌های فیزیکی و متغیرهای چون (وجود یا عدم وجود سطل زباله، تعداد آن، در دسترس بودن سطل‌ها) تنها ۱۵٪ از واریانس رفتار زباله‌پراکنی را به خود اختصاص دادند درحالی‌که ۸۵٪ آن مربوط به ویژگی‌های فردی (سن، جنس، نگرش‌ها، انگیزه‌ها) بوده است. در واقع زمینه‌های فیزیکی تأثیر زیادی بر روی رفتار افراد نداشته‌اند. در مجموع میزان زباله‌پراکنی در ایالات متحده ۱۷٪ گزارش شده است.

بر اساس تحقیقات انجام شده در دیگر کشورهای جهان به ویژه اروپا شرقی و غربی، نیجریه، مکزیکوسیتی زباله‌پراکنی یکی از مهمترین مسائل زیست محیطی است که مورد توجه دولت‌ها قرار گرفته و سالانه مبالغ زیادی صرف تمیزکردن شهر و جبران خسارت‌های ناشی از زباله می‌گردد (انکوچا<sup>۱</sup> و اوکیما<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹؛ اولاینکا<sup>۳</sup> و بلگان<sup>۴</sup>، ۲۰۱۱). بر خلاف تحقیقات خارجی، مرور و بررسی مطالعات داخلی نشان می‌دهد که محققین بر رفتار زباله‌پراکنی شهروندان به عنوان منبع اصلی تولید زباله در جامعه توجهی نشان نداده‌اند و بیشتر بر مباحث مربوط به بعد تولید زباله از جمله بازیافت و مشارکت در بازیافت توجه نشان داده‌اند (غلامرضازاده، ۱۳۹۳). این در حالی است که با توجه به هزینه‌بر بودن زباله‌برای جامعه در بخش‌های مختلف، لازم است تا رفتار زباله‌پراکنی شهروندان به عنوان مصداقی از بی‌نظمی و مسئولیت‌گریزی شهروندان مورد تحلیل جامعه‌شناختی قرار گیرد.

در این تحقیق برای تحلیل رفتار زباله‌پراکنی و توضیح نظری متغیرهای اصلی تحقیق از نظریه‌های تلفیقی یا نظریاتی که برای تبیین کنش بر عوامل فردی-اجتماعی تأکید دارند،

<sup>1</sup> -Environmental participation

<sup>2</sup> -Nkwocha

<sup>3</sup> -Okeoma

<sup>4</sup> -Oluyinka

5- Balogun

استفاده می شود. بر این اساس از دو نظریه «رفتار بین شخصی» تری اندیس<sup>۱</sup> و نظریه تلفیقی پاول استرن برای تبیین رفتار زباله پراکنی استفاده می شود.

روان شناس اجتماعی «هری تری اندیس» برای تبیین رفتار مدل منسجمی را تحت عنوان «رفتار بین شخصی» ارائه کرده است (تری اندیس، ۱۹۷۷). او این بحث را برای اولین بار در سال ۱۹۷۷ در کتابی تحت عنوان "نظریه رفتار بین شخصی" طرح کرد. از نظر تری اندیس، رفتار در هر موقعیتی تحت تأثیر نیت، و تا اندازه ای تحت تأثیر پاسخ های عاداتی و در نهایت تحت تأثیر فشارها و شرایط موقعیتی (وضعیتی) است. از نظر او نیت تحت تأثیر عوامل اجتماعی، عاطفی (احساسی) و تأملات عقلانی قرار می گیرد. در مدل او فرد نه کاملاً با تأمل و نه کاملاً اتوماتیک رفتار می کند. فرد نه کاملاً مستقل و نه کاملاً تحت تأثیر اجتماع است. در واقع تری اندیس علاوه بر بخش آگاهانه رفتار بر بخش ناخودآگاه رفتار هم تأکید دارد. از این رو، از نظر او عادت مستقیماً بر رفتار تأثیر دارد. عادت ها به الگوهای رفتاری ای اشاره دارد که در بیشتر مواقع به طور خودکار انجام می پذیرد. عادت که مبتنی بر رفتار گذشته افراد است موجب می شود تا رفتار در موقعیت هایی به طور خود به خودی انجام پذیرد. به طوری که وقتی فرد در موقعیتی خاص قرار می گیرد آن رفتار را بر طبق عادت انجام می دهد. علاوه بر این از نظر او همه این عوامل اجتماعی و فردی، تحت شرایط تسهیل کننده تعدیل می گردد.

شرایط تسهیل کننده یکی از عوامل مهم و تأثیر گذار بر رفتار در مدل TIB است که به صورت مستقیم بر رفتار فرد اثر می گذارد. شرایط تسهیل کننده به حضور و غیاب شرایطی اشاره دارد که اجرای یک رفتار مشخص را آسان می کند در واقع ممکن است فرد قصد انجام رفتاری را داشته باشد که شرایط و محیط زیست از آن حمایت کند و یا مانع آن رفتار شود (تری اندیس، ۱۹۷۷: ۳۱). بیشترین تأکید در مدل نظریه رفتار بین شخصی تری اندیس روی حضور وضعیت خاصی است که رفتار در آن واقع می شود (جکسون، ۲۰۰۵). در واقع شرایط تسهیل کننده به عنوان عامل ساختاری موجب تسهیل رفتاری خاص در محیط زیست می گردد.

<sup>1</sup> - Triandis

نظریه تری اندیس می‌تواند به عنوان چارچوبی برای تحلیل تجربی رفتار در موقعیت‌های متفاوت به کار آید. از این رو، این نظریه به وسیله محققان مختلف در بررسی موضوعات مختلف از جمله فرهنگ جمعی (کیمارا<sup>۱</sup> و ناکاجیما<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱)، کسب و کار (چن<sup>۳</sup> و لی<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵) و همچنین در حوزه محیط زیست (سیلدینی<sup>۵</sup>، ۲۰۰۳؛ اسمات<sup>۶</sup>، ۲۰۰۷؛ وایت<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۰۹) و تبیین رفتار زباله پراکنی (سیلدینی و همکاران، ۱۹۹۰؛ لیندهرست<sup>۸</sup>، ۲۰۱۲) نیز مورد استفاده قرار گرفته است. این نظریه از این منظر که به عوامل فردی - اجتماعی و همچنین موقعیتی در تبیین رفتار توجه دارد یک نظریه تلفیقی در تحلیل رفتار است. پاول استرن تحت تأثیر نظریه‌های تری اندیس و نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده آیزن تلاش کرد تا با تعدیل آنها به سوی نظریه‌ای کامل‌تر و ترکیبی گام بردارد. در واقع، استرن یک مدلی چند عاملی در زمینه رفتار زیست محیطی ارائه کرده است. او در نظریه خود علاوه بر توجه به عوامل نگرشی - فردی به عوامل اجتماعی - ساختاری در تبیین رفتار محیط‌گرا اشاره دارد. استرن بر این عقیده است که تأکید بر یک عامل به خصوص، نمی‌تواند تبیین درستی از رفتار ارائه دهد. مدل‌های تبیینی باید بیشتر از یک عامل نگرشی را در تبیین رفتار در نظر بگیرند. از نظر او مدل‌های قبلی عمدتاً بر نگرش در توضیح رفتار تأکید داشته‌اند اما به نظر می‌رسد برای تبیین رفتار باید به عوامل غیر نگرشی هم توجه داشت. بر این اساس او به چهار عامل به عنوان تعیین‌کننده‌های رفتار (که بسیار شبیه به نظریه تری اندیس می‌باشد) در رابطه با محیط اشاره می‌کند (استرن، ۲۰۰۰). این عوامل عبارتند از:

الف- عوامل نگرشی: این عوامل شامل هنجارها، باورها و ارزش‌هاست. این عوامل را می‌توان در قالب مفاهیمی چون پیش‌فرض‌های کلی در زمینه محیط، باورهای و هنجارهای مشخص رفتاری، نگرش‌های ضد محیط، هزینه-فایده متصور کنش مورد بررسی قرار داد.

- 1- Kimura
- 2- Nakajima
- 3- Chen
- 4- Li
- 5- Cialdini
- 6- Smout
- 7- White
- 8- Lyndhurst



ب- عوامل زمینه ای (بیرونی): این عوامل شامل تأثیرات بین شخصی (مثل ترغیب و مدلسازی)، انتظارات اجتماع، تبلیغات، قوانین دولتی، عوامل قانونی و نهادی دیگر، مشکلات فیزیکی کنش های مشخص، ویژگی های مختلف زمینه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کلان می شود.

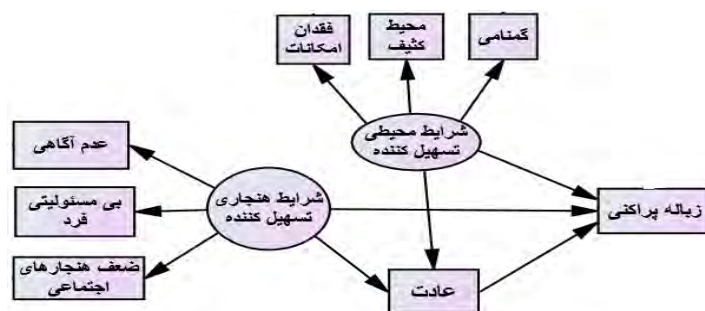
پ- توانایی های شخصی: این توانایی ها، شامل شناخت و مهارت هایی است که برای کنش های مشخصی نیاز می باشد. همچنین دسترسی به زمان برای کنش توانایی های عمومی و منابعی چون سواد، درآمد، پایگاه و قدرت اجتماعی.

ت- عوامل عاداتی: عادات نوع متمایزی از متغیرهای علی هستند. تغییر رفتار اغلب نیاز به کنار گذاشتن عادات قدیمی و تثبیت عادات جدید است. عادت یک عامل کلیدی در تبیین رفتار محیطی است (استرن، ۲۰۰۰: ۴۱۸-۴۱۶). در واقع استرن با نقد نظریات یکجانبه گرای رفتاری به سوی نظریه ای تلفیقی در رابطه با رفتار محیطی گام بر می دارد. او هم به عوامل بیرونی و هم عوامل درونی در تبیین رفتار توجه نشان می دهد. باید توجه داشت که نظریه استرن معطوف به رفتارهای محیط گراست. از نظر او فرد تحت تأثیر این عوامل چهارگانه، رفتاری را در حمایت یا مخالف با ارزش های محیطی از خود بروز می دهد. از این رو می توان از نظریه او در تبیین رفتار زباله پراکنی استفاده کرد.

همان گونه که آمد در هر نظریه توضیح داده شده در بالا به عوامل مرتبط با فرد، جامعه و محیط در تبیین کنش در موقعیت خاص توجه داشته اند. در عین حال با بررسی مطالعات پیشین در رابطه با زباله پراکنی می توان به دو دسته کلی عوامل فردی- عملیاتی و ساختاری- بیرونی مؤثر بر رفتار زباله پراکنی تأکید داشت. هر یک از این عوامل کلی را می توان به دو دسته کوچک تر عوامل، نیز تقسیم کرد: عوامل فردی را می توان به دو دسته عوامل شخصی و عاداتی تقسیم کرد. و عوامل ساختاری- بیرونی را می توان به دو دسته عوامل اجتماعی و موقعیتی - محیطی تقسیم کرد. با توجه به موضوع و چارچوب نظری، در این تحقیق به بررسی عوامل عاداتی (الگوهای رفتاری گذشته، رفتارهای بدون تفکر) و عوامل موقعیتی یا محیطی (امکانات، کنترل اجتماعی، هزینه مادی) و عوامل هنجاری- اجتماعی (ضعف هنجاری، عدم آگاهی و بی مسئولیتی فردی) بر رفتار زباله پراکنی گردشگران خواهیم پرداخت. ضمن اینکه متغیر عادت را بعنوان متغیر واسطه در تحلیل مورد بررسی قرار می

دهیم. چراکه از نظر ایندو عادت تحت تاثیر شرایط تسهیل کننده و عوامل اجتماعی تعدیل می گردد.

نمودار(۱): مدل نظری روابط بین متغیرهایی مستقل و وابسته (زباله پراکنی)



با توجه به مدل بالا می توان فرضیات زیر را طرح کرد.

۱. شرایط تسهیل کننده محیطی بر زباله پراکنی تاثیر مستقیم دارد.
۲. موقعیت های گمنام (ناشناخته) فرد در محیط مشخص در زباله پراکنی تاثیر مستقیم دارد.
۳. محیط کثیف بر زباله پراکنی تاثیر مستقیم دارد.
۴. فقدان امکانات مربوط به دفع مناسب زباله بر زباله پراکنی تاثیر مستقیم دارد.
۵. شرایط محیطی تسهیل کننده بر عادت به زباله پراکنی تاثیر مستقیم دارد.
۶. عادت به زباله پراکنی بر زباله پراکنی تاثیر مستقیم دارد.
۷. شرایط هنجاری تسهیل کننده و ابعاد آن بر عادت تاثیر مستقیم دارد.
۸. شرایط هنجاری تسهیل کننده بر زباله پراکنی تاثیر مستقیم دارد.

## ۳- روش تحقیق

از لحاظ منطق روش شناختی، روش تحقیق پژوهش حاضر پیمایشی<sup>۱</sup> و از نوع مقطعی<sup>۲</sup> می باشد. جامعه آماری این تحقیق عبارت است از کلیه گردشگرانی که در فصل تابستان ۱۳۹۳ وارد استان مازندران شدند. تعداد نمونه با استفاده از فرمول نمونه گیری کوکران، ۳۸۵ نمونه تعیین شده است. در این تحقیق از روش نمونه گیری چند مرحله ای استفاده شد. با توجه به این که گردشگران در فصل تابستان شهرهای ساحلی را به عنوان مقصد خود انتخاب می کنند. ابتدا شهرهای ساحلی مازندران در سه خوشه غرب، مرکز، شرق قرار گرفته، بعد از آن از هر خوشه یک شهر به شکل تصادفی انتخاب شد. در مرحله نهایی از روش نمونه های در دسترس برای انتخاب نمونه استفاده شده است. داده های مورد نیاز تحقیق از طریق ابزار پرسشنامه به روش میدانی جمع آوری شده است. برای تجزیه و تحلیل داده های این پژوهش از نرم افزار SPSS و برای آزمون مدل نظری از مدل ساختاری AMOS استفاده شده است.

در تحقیق حاضر متغیرهای عادت و شرایط تسهیل کننده (میزان وجود زباله در محیط، فقدان خدمات، گمنامی) جزو متغیرهای مستقل و زباله پراکنی نیز به عنوان متغیر وابسته می باشد که در ذیل به تعریف نظری و عملیاتی متغیر وابسته و متغیرهای مستقل خواهیم پرداخت.

## الف- متغیرهای مستقل

## ۱- عادت و زباله پراکنی

بر اساس نظر تری اندیس، عادت ها به الگوهای رفتاری ای اشاره دارد که در بیشتر مواقع به طور خودکار انجام می پذیرد. عادت که مبتنی بر رفتار گذشته افراد است موجب می شود تا رفتار در موقعیت هایی به طور خود به خودی انجام پذیرد. به طوری که وقتی فرد در موقعیتی خاص قرار می گیرد آن رفتار را بر طبق عادت انجام می دهد (تری اندیس، ۱۹۸۰: ۲۰۴). بر اساس نظر تری اندیس در زمینه اندازه گیری عادات؛ می توان عادت ها را بر اساس تعداد دفعات تکرار رفتار، ارزیابی رفتار فرد در موقعیت های مختلف و اینکه فرد اغلب چگونه به

<sup>۱</sup>- Survey

<sup>۲</sup>-Cross - sectional

یک موضوع یا موقعیت واکنش نشان می‌دهد، اندازه‌گیری کرد. طبق نظر استرن (۲۰۰۰) عادت یک عامل کلیدی در تبیین رفتار محیطی است. به طوری که تغییر رفتار اغلب نیاز به کنار گذاشتن عادات قدیمی و تثبیت عادات جدید است. در زمینه رفتار زباله پراکنی، عادت فرد به زباله ریختن با ۵ گویه مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته است.

## ۲- شرایط تسهیل کننده محیطی و زباله پراکنی

طبق نظریه استرن رفتار افراد متأثر از شرایط، زمینه‌های اجتماعی و امکانات فیزیکی است. تری اندیس نیز بر این باور است که رفتار فرد تحت شرایط محیطی می‌باشد. از نظر وی شرایط تسهیل کننده به حضور و غیاب شرایطی اشاره دارد که اجرای یک رفتار مشخص را آسان می‌کند در واقع ممکن است فرد قصد انجام رفتاری را داشته باشد که شرایط و محیط زیست از آن حمایت کند و یا مانع آن رفتار شود. در این تحقیق شرایط تسهیل کننده با سه معرف مورد بررسی قرار گرفت که عبارتند از: ۱- میزان وجود زباله در محیط ۲- فقدان خدمات مربوط به دفع مناسب زباله ۳- گمنامی (موقعیت‌های ناشناخته). در مجموع شرایط تسهیل کننده با ۱۲ گویه مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته است.

گمنامی یا موقعیت‌های ناشناس به وضعیتی اشاره دارد که افراد در مکان‌های ناشناس، خلوت یا به دور از دید دیگران که امکانات سامان‌دهی زباله نباشد راحت‌تر و بیشتر زباله می‌ریزند. از این رو در این تحقیق تأثیر گمنامی بر زباله پراکنی با ۴ گویه مورد بررسی قرار گرفته است.

میزان وجود زباله در محیط نشان می‌دهد که چقدر محیط کثیف است. افراد در محیط‌های کثیف و پر از زباله احتمال آنکه زباله بریزند، بیشتر است. در واقع فرد با دیدن محیط کثیف و پر از زباله، فکر می‌کند هنجاری است که باید بر اساس آن عمل کند. سپس زباله ریختن در آن محیط خاص یک امر مقبول اجتماعی می‌گردد. وقتی محیطی تمیز باشد احتمال ریختن زباله کمتر می‌شود. این متغیر با ۳ گویه مورد بررسی قرار گرفته است.

فقدان امکانات مربوط به دفع مناسب زباله به شرایطی چون عدم وجود سطل زباله، پر بودن سطل زباله، فاصله زیاد سطل‌های زباله از هم اشاره دارد. در واقع فقدان خدمات شرایط

را برای زباله ریزی افراد تسهیل می نماید. در این تحقیق فقدان خدمات با ۵ گویه مورد سنجش قرار گرفته است.

### ۳- شرایط هنجاری تسهیل کننده

طبق نظر استرن رفتار افراد تحت تاثیر نگرشها و هنجارهای اجتماعی است. این عوامل می تواند در غالب متغیرهایی چون ضعف هنجارهای اجتماعی، عدم آگاهی از تأثیرات منفی زباله و بی مسئولیتی فرد نسبت به زیست محیط بیان گردد.

ضعف هنجارهای اجتماعی: هنجارهای اجتماعی به دو دسته رسمی و غیر رسمی تقسیم می شوند. هنجارهای رسمی به تمام سازوکارهایی اشاره دارد که نهادهایی که در جامعه رسمیت دارند (مثل پلیس، دادگاه ها و ...) برای حفظ نظم اجتماعی انجام می دهند. در حقیقت نهادهایی در جامعه وجود دارند که وظیفه مراقبت از رفتارهای افراد را برعهده دارند. ضعف هنجارهای رسمی بازدارنده موجب افزایش رفتار زباله پراکنی می گردد. همچنین هنجارهای غیر رسمی به سازوکارهایی اشاره دارد که به شکل غیر رسمی از طریق خانواده، دوستان و جامعه موجب کنترل رفتار افراد می شود. این عوامل می توانند به شکل غیر رسمی مانع رفتارهای مخرب زیست محیطی از جمله زباله پراکنی افراد در جامعه شوند

بی مسئولیتی فرد: احساس مسئولیت، اینکه چقدر فرد احساس می کند که رفتارش تأثیرگذار است و به چه میزان فرد شخصاً مسئول عواقب رفتارش می باشد، می تواند بر روی رفتار و عملکردش تأثیر داشته باشد (دیویس و همکاران، ۲۰۰۲). افرادی که به گونه ای محیط زیستی رفتار نمی کنند، احساس می کنند که آنها نمی توانند بر موقعیت شان تأثیر بگذارند و یا نایستی نسبت به آن احساس مسئولیت داشته باشند. این بدان معنی است که هرچه عدم احساس مسئولیت شخص بیشتر شود، رفتار زباله پراکنی او بیشتر خواهد شد.

عدم آگاهی از تأثیرات منفی زباله پراکنی: منظور از عدم آگاهی، عدم اطلاع و دانش فرد نسبت به تأثیر کنش های انسانی بر محیط زیست به ویژه تأثیرات مخرب زباله پراکنی است. از این رو افراد بدون آگاهی از مضرات زباله و زباله پراکنی به راحتی زباله هایشان را رها می کنند.

ب- متغیر وابسته

رفتار زباله پراکنی

زباله پراکنی به معنای رها کردن چیزهای غیر ضروری و غیر طبیعی در محیط می باشد (گرین، ۲۰۰۱). زباله پراکنی به مثابه دفع سهل انگارانه و نامناسب مقداری زباله نیز (گلر و همکاران، ۱۹۸۲؛ استکلوس و المان، ۱۹۸۷؛ کنان، ۱۹۹۶) می باشد. رفتار زباله پراکنی به رفتارهایی که منجر به ریختن و پاشیدن زباله در محیط می گردد، اشاره می کند. در این تحقیق رفتار زباله پراکنی با شاخص هایی چون دستمال کاغذی، تکه های کاغذ یا تکه های روزنامه، ظرف نوشیدنی ها، پوست میوه، آدامس، ته سیگار، کیسه های کاغذی مورد سنجش قرار گرفته است.

#### ۴- یافته ها های پژوهش

یافته های تحقیق حاضر در دو بخش ارائه می شود. بخش اول شامل توصیف متغیرهای زمینه ای و متغیر اصلی و ابعاد آنها است. بخش دوم به تحلیل داده ها و آزمون مدل اختصاص می یابد.

اطلاعات در این تحقیق از بین ۳۸۵ نفر از گردشگران استان مازندران جمع آوری گردیده است که ۵۰/۴ درصد زن (۱۹۴ نفر) و ۴۹/۶ درصد (۱۹۱ نفر) مرد بوده اند. همچنین میانگین سنی افراد ۳۰ سال بوده و پایین ترین سن ۱۵ سال و بالاترین سن نیز ۷۱ سال بوده است. به لحاظ وضعیت تأهل ۳۹/۲ درصد مجرد (۱۵۱ نفر) و ۶۰/۸ درصد هم متأهل (۲۳۴ نفر) بوده اند. در رابطه با تحصیلات هم افراد با تحصیلات دیپلم با ۳۳/۸ درصد (۱۳۰ نفر) بیشترین افراد نمونه و ابتدایی با ۸/۸ درصد (۳ نفر) کمترین افراد نمونه را تشکیل می دهند. بیشتر پاسخگویان ۸۰/۶ درصد وضعیت اقتصادی خود را متوسط ارزیابی کرده اند. ۵/۳ درصد هم وضعیت اقتصادی خود را بالا ارزیابی کرده و تنها ۱۴/۱ درصد وضعیت اقتصادی خود را پایین ارزیابی کرده اند.

همچنین اطلاعات گردآوری شده حاکی از آن است که حدود ۲۸/۱ درصد پاسخگویان عادت به ریختن زباله دارند و حدود ۷۱/۴ درصد بیان کرده اند که هرگز عادت به ریختن زباله ندارند. سپس جدول، توزیع فراوانی فقدان امکانات پاسخگویان را نشان می‌دهد. داده‌ها حاکی از آن است که بیش از نصف پاسخگویان حدود ۷۴/۲ درصد با فقدان خدمات موافقت کرده اند. تقریباً ۲۵/۸ درصد مخالف با فقدان خدمات بوده اند. توزیع فراوانی شاخص گمنامی حاکی از آن است که ۴۹/۳ درصد افراد موافق اند که در محیط های ناشناخته راحت تر می توانند زباله ها را بریزند اما ۵۰/۶ درصد مخالف این امر هستند. توزیع فراوانی شاخص میزان وجود زباله در محیط بیانگر آن است که ۴۱/۸ درصد افراد موافق اند که در محیط های کثیف و پر از زباله آنها هم زباله ها را به راحتی رها می کنند اما ۵۸/۲ درصد افراد موافق نبوده اند.

جدول شماره (۱) نشان دهنده توزیع فراوانی نمرات زباله پراکنی افراد می‌باشد. بر اساس اطلاعات جدول حدود ۳۳/۹ درصد دارای رفتار زباله پراکنی متوسط بوده، ۳۳/۶ درصد بالا و ۳۲/۶ درصد هم رفتار زباله پراکنی شان پایین بوده است. در کل می توان گفت میزان زباله پراکنی در حد متوسط است. به طوری که بیشترین فراوانی در گویه های زباله پراکنی مربوط به آدامس، ته سیگار، دستمال کاغذی بوده و کمترین آن مربوط به گویه های کیسه های کاغذی و پلاستیکی بوده است.

جدول (۱): توزیع فراوانی نمرات میزان زباله پراکنی

درصد	فراوانی	زباله پراکنی
۳۳ / ۶	۱۲۹	طبیقات پاسخ بالا
۳۳ / ۹	۱۳۰	متوسط
۳۲ / ۶	۱۲۵	پایین
۹۹ / ۷	۳۸۴	کل پاسخ دهندگان
۰ / ۳	۱	بی جواب
۱۰۰	۳۸۵	کل

ماخذ: یافته های پژوهش

برای آزمون فرضیات تحقیق از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. همچنین برای آزمون مدل نظری تحقیق و ارائه مدل ساختاری تجربی از نرم افزار Amos ارائه استفاده شده است. در ادامه ابتدا به تحلیل و تفسیر روابط بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته (زباله پراکنی) می پردازیم و در پایان روابط چندگانه بین متغیرها از طریق مدل ساختاری ارائه می شود.

جدول (۲): آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل و زباله پراکنی

متغیر مستقل	میزان همبستگی	سطح معناداری
عادت	۰/۵۵	۰/۰۰۰
گمنامی	۰/۴۳	۰/۰۰۰
فقدان امکانات	۰/۱۵	۰/۰۰۶
محیط کثیف (میزان وجود زباله در محیط)	۰/۱۶	۰/۰۰۰
عدم آگاهی	۰/۱۶	۰/۰۰
بی مسئولیتی فردی	۰/۲۷	۰/۰۰
ضعف‌های هنجارهای اجتماعی	۰/۲۹	۰/۰۰

ماخذ: یافته‌های پژوهش

یافته‌های جدول بالا حاکی از آن است بین عادت و رفتار زباله پراکنی رابطه معناداری وجود دارد.  $\text{sig}=0/000$  و میزان همبستگی  $r=0/55$  بوده و در نتیجه جهت رابطه مستقیم می باشد. براین اساس هر چه افراد عادت بیشتری به زباله پراکنی داشته باشند این امر بر زباله پراکنی تأثیر مثبت داشته و موجب افزایش زباله پراکنی می گردد. بر اساس نظریه تری اندیس نیز عادت نقش کلیدی بر روی رفتار افراد دارد که در این بررسی نیز از بین متغیرهای مستقل، متغیر عادت بالاترین میزان همبستگی را با زباله پراکنی دارد.

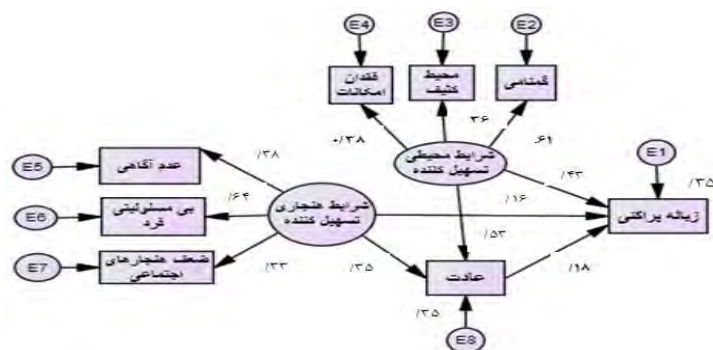
در این تحقیق رابطه بین فقدان امکانات و رفتار زباله پراکنی معنادار و جهت رابطه مثبت است.  $\text{sig}=0/006$  و میزان همبستگی  $r=0/15$  می باشد و جهت رابطه مستقیم است. براین اساس فقدان خدمات مربوط به دفع مناسب زباله، شرایط زباله پراکنی را تسهیل می نماید و تأثیر مسقیم بر زباله پراکنی دارد، موجب افزایش آن می گردد. همان گونه که از



جدول برمی آید بین گمنامی و زباله پراکنی رابطه معناداری وجود دارد  $\text{sig}=0/000$  و میزان همبستگی  $r=0/43$  می باشد بنابراین جهت رابطه مستقیم است. بدین معنی که محیط ناشناخته شرایط را برای زباله پراکنی افراد تسهیل می نماید و موجب افزایش زباله پراکنی می گردد. بین متغیر میزان وجود زباله در محیط با زباله پراکنی رابطه معناداری وجود دارد.  $\text{sig}=0/000$  و میزان همبستگی  $r=0/43$  می باشد بنابراین جهت رابطه مستقیم است. به طوری که هر چقدر میزان تجمع زباله در محیط بیشتر باشد، محیط کثیف و از منظر عمومی زیبا نباشد، امکان زباله پاشیدن افراد بیشتر است. همچنین رابطه بین عدم آگاهی فرد از خطرات زباله، بی مسئولیتی فرد نسبت به محیط زیست و ضعف هنجارهای اجتماعی با زباله پراکنی رابطه معنی دارد و بطور مستقیم تاثیر دارد. بر این اساس بخشی از رفتارهای زیست محیطی مخرب تحت تاثیر عدم آگاهی فرد از خطراتی زباله و در عین حال بی مسئولیتی فرد نسبت به محیط زیست خود دارد. ضعف هنجارهای رسمی و غیر رسمی در زباله پراکنی بی تاثیر نخواهد بود.

همان گونه که آمد در این تحقیق برای آزمون مدل نظری تحقیق از نرم افزار AMOS استفاده شده است. این نرم افزار به عنوان یکی از نرم افزارهای معادله ساختاری مطرح می باشد. مدل سازی معادله ساختاری روشی برای آزمون مدل های نظری است. بر این اساس برای کاربرد این تکنیک نیاز است تا محقق مدل نظری پیش فرض داشته باشد. مدل یابی معادله ساختاری یک تکنیک تحلیل چند متغیری بسیار کلی و نیرومند از خانواده رگرسیون چند متغیری و به بیان دقیق تر بسط مدل خطی کلی است که به پژوهشگران امکان می دهد مجموعه ای از معادلات رگرسیون را به گونه ای همزمان مورد آزمون قرار دهد (هومن، ۱۳۹۰: ۱۱). در این تحقیق با استفاده از نرم افزار AMOS مدلی ساختاری بر اساس مدل نظری ارائه شده است و از این طریق تلاش شده است تا میزان برازش مدل نظری نسبت به داده های نمونه ای سنجیده شود. در حقیقت محقق از این طریق تلاش دارد تا مدل نظری تحقیق را در جامعه مورد مطالعه مورد سنجش قرار دهد.

نمودار (۲): مدل ساختاری روابط بین متغیرهایی مستقل و وابسته (زباله پراکنی)



Degrees of freedom = 16 sig=0.07 RMSEA=0.08  $R^2 = 0.35$

مدل فوق بیانگر آزمون مدل نظری تحقیق می باشد. همان گونه که از مدل پیداست متغیر آشکار عادت (Beta=0.18) تأثیر مستقیم بر زیاله پراکنی افراد در جامعه دارد. عادت به زیاله پراکنی موجب زیاله پراکنی افراد در جامعه می شود. سازه پنهان شرایط محیطی تسهیل کننده زیاله پراکنی مرکب از سه شاخص (گمنامی، محیط کثیف و فقدان امکانات) دارای تأثیری مثبت (Beta=0.43) بر زیاله پراکنی می باشد. این در حالی است که شرایط تسهیل کننده موجب شکل گیری عادت به زیاله پراکنی (Beta=0.53) در جامعه می گردد. همچنین شرایط هنجاری تسهیل کننده با سه مولفه عدم آگاهی از خطرات زیاله پراکنی، بی مسئولیتی فرد نسبت محیط زیست و ضعف هنجارهای اجتماعی بطور مستقیم (Beta=0.16) و غیر مستقیم (Beta=0.35) از طریق تأثیر بر عادت بر زیاله پراکنی تأثیر دارد.

آماره های برازش نشان دهنده برازش قابل قبول مدل نظری ماست. معنادار نبودن ضریب کای اسکور به این معناست که بین مدل نظری و مدل تجربی تفاوتی وجود ندارد. بدین معنا که مدل تجربی حاصل از داده های نمونه ای روابط بین متغیرها در مدل نظری ما را مورد حمایت قرار داده است. همچنین متغیرهای حاضر در مدل توانستند ۰/۳۵ از تغییرات متغیر وابسته (رفتار زیاله پراکنی) را مورد تبیین قرار دهند.

پرتال جامع علوم انسانی

## ۵- بحث و نتیجه گیری

امروزه افزایش روز افزون جمعیت، توسعه جوامع شهری و رشد مصرف گرایی، موجب شده است تا میزان تولید زباله ها رو به فزونی نهاده و این مسأله، به صورت یکی از معضلات و مشکلات بشر درآید که هم سلامت و هم محیط زیست او را در معرض خطر قرار دهد. علاوه بر این، زباله پراکنی در فضاهای شهری و عمومی موجب تشدید مسائل مربوط به زباله شده است. از این رو به منظور کاهش اثرات آن لازم است رفتار زباله پراکنی و عوامل مؤثر بر آن شناسایی و مورد مطالعه قرار گیرد. به این ترتیب در تحقیق حاضر، تأثیر شرایط تسهیل کننده محیطی و عاداتی بر رفتار زباله پراکنی گردشگران مورد مطالعه قرار گرفت.

یافته های پژوهش حاکی از وجود رابطه مثبت و معناداری بین عادت و رفتار زباله پراکنی است. طبق نظر استرن نیز عادت یک عامل کلیدی در تبیین رفتار محیطی است (استرن، ۲۰۰۰) که در این تحقیق با ضریب تأثیر ۳۶ درصد، تأثیر مستقیم بر زباله پراکنی افراد در جامعه دارد. سپس نتایج نشان می دهد رابطه بین متغیرهای مستقل دیگر تحقیق چون میزان وجود زباله در محیط، گمنامی، فقدان خدمات با رفتار زباله پراکنی مستقیم و معنادار بوده است. به طوری که با نتایج تحقیق شوکور و همکاران (۲۰۱۲) همخوانی دارد. در واقع مشخص گردید که شرایط محیطی یکی از عوامل مهم و تأثیر گذار بر رفتار فرد است. طبق نظریه استرن رفتار افراد متأثر از شرایط، زمینه های اجتماعی و امکانات فیزیکی است. تری اندیس نیز بر این باور است که رفتار فرد تحت شرایط محیطی می باشد. بنابراین شرایط تسهیل کننده به عنوان عامل ساختاری موجب تسهیل رفتاری خاص در محیط زیست می گردد. براساس نتایج حاصل از مدل ساختاری، سازه پنهان شرایط محیطی تسهیل کننده زباله پراکنی با ضریب تأثیر ۴۳ درصد تأثیر مستقیم بر زباله پراکنی دارد. این در حالی است که شرایط تسهیل کننده با ضریب تأثیر ۵۳ درصد موجب شکل گیری عادت به زباله پراکنی شده است. باید توجه داشت که علاوه بر شرایط محیطی تسهیل کننده زباله پراکنی نباید از تأثیر شرایط هنجاری اجتماعی تسهیل کننده زباله ریزی غافل شد. همانطور که در این تحقیق آمده است عوامل هنجاری مثل ضعف کنترل و عدم آگاهی شهروندان از خطرات زباله ریزی و بی مسئولیتی آنان نسبت به محیط زیست هم مستقیماً بر زباله ریزی تأثیر دارد هم موجب تقویت عادت به زباله ریزی در بین شهروندان می شود. همچنین متغیرهای تحقیق توانستند ۳۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته (رفتار زباله پراکنی) را مورد تبیین قرار دهند.

بنابراین، با توجه به میزان زباله پراکنی گردشگران در حد متوسط، توجه به عوامل تسهیل‌کننده محیطی و هنجاری به عنوان تبیین‌کننده ساختاری در کنار عوامل عاداتی بسیار حائز اهمیت است. از آنجایی که بسیاری از گردشگران فقدان یا ضعف خدمات مربوط به دفع مناسب زباله را یکی از دلایل مهم رفتار زباله پراکنی دانسته‌اند از این رو برای کاهش زباله پراکنی موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:

- ۱- اطلاع‌رسانی و افزایش آگاهی‌های زیست‌محیطی نسبت به خطرات زباله‌ریزی در طبیعت از طرف نهادهای آموزشی و فرهنگی
- ۲- وضع قوانین کنترلی و پیشگیرانه در رابطه با زباله‌ریزی در طبیعت
- ۳- توزیع رایگان کیسه‌های زباله در ورودی مکان‌های تفریحی.
- ۴- نصب تعداد بیشتری سطل زباله در محیط‌های تفریحی و مکان‌های عمومی.
- ۵- تمیز کردن به موقع محیط از زباله و خالی کردن سطل‌های زباله.
- ۶- تبلیغات و توزیع بروشور در مکان‌های تفریحی.
- ۷- گسترش و بهبود فضای سبز سالم و تمیز.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. بارو، کریستوفر. (۱۳۸۰). اصول و روش های مدیریت زیست محیطی، ترجمه مهرداد اندرودی، تهران: کنگره.
۲. پناهنده، محمد؛ عابدین زاده، نیلوفر. (۱۳۸۹). ارزیابی اثرات زیست محیطی کارخانه کمپوست یزد، فصلنامه ی علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۴۶، ۹۹-۸۷.
۳. فیروزجائیان، علی اصغر، صالحی، صادق، غلامرضا زاده، فاطمه. (۱۳۹۴). تحلیل جامعه شناختی زباله ریزی در بین گردشگران (مطالعه موردی: گردشگران استان مازندران)، مجله برنامه ریزی و توسعه گردشگری، سال چهارم، ۱۳، ۱۶۸-۱۸۶.
۴. غلامرضا زاده، فاطمه. (۱۳۹۳). تبیین جامعه شناختی رفتار زباله پراکنی در بین شهروندان (مطالعه موردی: گردشگران استان مازندران)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران.
۵. نواح، عبدالرضا، فروتن کیا، شهرزاد، پورتر کارونی، محمد. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین میزان دینداری با ارزش ها و رفتارهای زیست محیطی شهروندان (مطالعه موردی: شهر اهواز)، مطالعات جامعه شناختی شهری، ۱، ۹۸-۷۷.
6. Abdul Shukor, F.S., Mohammed, A. H., Awang, M., & Abdullah Sani, S.I. (2012). Litter reduction: A review for the important behavioral antecedent approaches. *International Conference ON Business and Economic Research Proceeding*.
7. Arafat, H.A., Al-Kathhib, I.A., Daoud, R., & Shwahneh, H. (2007). Influence of socio-economic factors on street litter generation in the Middle East: Effects of education level, age, and type of residence. *Waste Management Resources*, 25, 363° 370.
8. Armitage, N., & Rooseboom, A. (2000). The removal of urban litter from storm water conduits and streams; Paper 1 the quantities involved and catchment litter management options. *Water SA*, 26, 181° 188.
9. Cadena, C.E., Manjarrez, P.L., Izquierdo, I.E., Gallegos, E.R. (2012). An Approach to Litter Generation and Littering Practices in a Mexico City Neighborhood. *Sustainability*, 4, 1733-1754.

10. Clark, R. N., Burgess, R. L., & Hende, J. C. (1972). The development of anti-litter behavior in a forest campground. *Journal of Applied Behavior Analysis*, 5, 1-5.
11. Cone, J.D., & Hayes, S.C. (1985). Environmental problems/ behavioral solutions. Cambridge University Press.
12. Cone, J. D., & Hayes, S. C. (1980). Environmental problems: Behavioral solutions. Monterey, CA: Brooks/Cole.
13. Cooley, R.R. (2005). The effectiveness of signage in the reduction of litter in backcountry and front country campsites. University of Manitoba. Masters of Arts Dissertation.
14. Cialdini, R. (2003). Crafting normative messages to protect the environment. *Current Directions in Psychological Science*, 12(14), 105-109.
17. Chen, X. P., & Li, Sh. (2005). Cross-national differences in cooperative decision-making in mixed-motive business contexts: the mediating effect of vertical and horizontal individualism. *Journal of International Business Studies*, 15, 75-101.
18. Finnie, W. C. (1973). Field experiments in litter control. *Environment and Behavior*, 5, 123-144.
19. Geller, E. S. (1974). Increasing desired waste disposals with instructions. *Man-Environment Systems*, 5, 125-128
20. Geller, E. S., Witmer, J. F., & Tusso, M. E. (1977). Environmental interventions for Litter control. *Journal of Applied Psychology*, 62, 344-351.
21. Geller, E. S. (1980). Applications of behavioral analysis for litter control. In D. Glenwick & L. Jason (Eds.), *Behavioral community psychology: Progress and prospects*, New York, NY, 254-283.
22. Green, C.A. (2001). The effect of prior litter on sewing class students 'clean-up' behavior. [http://www.clearinghouse\\_missouriwestern.edu/default.asp](http://www.clearinghouse_missouriwestern.edu/default.asp). Curled from the Internet on 14th Dec, 2007.

23. Hatfield, E., Salmon, M., & Rapson, R. L. (2011). Equity theory and social justice. *Journal of Management, Spirituality, and Religion*, 8, 101-121.
24. Kayhanian, M., Stransky, C., Bay, S., Lau, S.L., Stenstorm, M.K. (2008). Toxicity of urban highway runoff with respect to storm duration. *Sci. Total Environment*, 38,386° 406.
25. Keep America Beautiful. (2007). KAB s seven primary sources of litter. Retrieved from <http://www.kab.org/site/PageServer?pagename=litter> seven sources.
26. Keizer, K., Lindenberg, S., & Steg, L. (2008). The spreading of disorder. *Science*, 322, 1681-1685.
27. Nkwocha, E.E., & Okeoma, I. O. (2009). Street Littering in Nigerian Towns: towards aFramework for Sustainable Urban Cleanliness. *An International Multi-Disciplinary Journal, Ethiopia*. Vol. 3 (5), 147-164.
28. Oluyinka, o., & Balogun, S. K. (2011). Psycho-sociocultural Analysis of Attitude towards Littering in a Nigerian Urban City. *Ethiopian Journal of Environmental Studies and Management*. Vol. 4 (1), 68-80.
29. Schultz, P. W., Bator, R. J., Large, L.B., Bruni, C. M., Tabanico, J. J. (2013). Littering in context: Personal and environment predictors of littering behavior. *Environment and Behavior*.45 (1), 35° 59.
30. Stern, P (2000). Towards a coherent theory of environmentally significant behavior. *Journal of Social Issues*. 56 (3), 407-424.
31. Stern, P.C. (2010). Environmentally significant behavior and how to change it. National congress on behavior change for sustainability, Australia.1-28
32. Stokols, D., & Altman, I. (Eds.), (1987). *Handbook of Environmental Psychology*, Vols.1° 2. John Wiley, NY.
33. Smout, P., Sheehy, B., Hassell, T., & Cary, J. (2007). *Promoting Behavioural Change inHousehold Water Consumption: Literature Review*. Prepared for Smart Water, URS.
34. Torgler, B., Garcia-Valinas, M., & Macintyre, A. (2008). Justifiability of littering: An empirical investigation. (Working Paper No. 2008-8). *Basil, Switzerland: Center for Research in Economics, Management, and the Arts*.

35. Triandis, H. C. (1977). *Interpersonal Behavior*. Monterey, CA: Brooks/Cole.
36. Triandis, H. C. (1980). Values, attitudes and interpersonal behavior. In H. Howe and M. Page (Eds), *Nebraska Symposium on Motivation*, 1979, 27, 195-260. Lincoln, NE: University of Nebraska Press.
37. Triandis, H.C. (1989). The self and social behavior in differing cultural context. *Psychological Review*, 96, 506-520.
38. White, K. M., Smith, J. K., Terry, D. J., Greenslade, J. H., & McKimmie, B. M. (2009). Social influence in the theory of planned behavior: the role of descriptive, injunctive, and in-group norms. *British Journal of Social Psychology*, 48(1), 135-158.

